

هو العليم

شرح حالات حضرت أمير المؤمنين عليه السلام در

شب نوزدهم

حضرت علامه آية الله حاج سيد محمد حسين حسيني طهراني

امام شناسی، جلد ۳

بسم الله الرحمن الرحيم

ابن اثیر جزری گوید با سلسله اسناد خود از عثمان بن صُهَیب، از پدرش که قال: قال علیُّ: قال لی رسولُ الله صلی الله علیه و آله و سلّم: "مَنْ أَشَقَى الْأَوْلِيَيْنَ؟" قُلْتُ: عَاقِرُ النَّاقَةِ. قَالَ: "صَدَقْتَ." قَالَ: "فَمَنْ أَشَقَى الْآخِرِينَ؟" قُلْتُ: لَا عِلْمَ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: "الَّذِي يَضْرِبُكَ عَلَى هَذَا!" وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى يَافُوخِهِ. وَكَانَ يَقُولُ: وَدِدْتُ أَنَّهُ قَدِ انْبَعَثَ أَشْقَاكُمْ فَخَضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ. يَعْنِي لِحِيَّتَهُ مِنْ دَمِ رَأْسِهِ.^۱

صهیب از أميرالمؤمنین علیه السلام روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به من فرمود: "شقی ترین از پیشینیان کیست؟" گفتم: پی کننده شتر صالح. فرمود: "راست گفתי." سپس فرمود: "شقی ترین از پسینیان کیست؟" گفتم: نمی دانم ای رسول خدا. فرمود: "آن کسی که بر اینجا شمشیر بزند." و اشاره کردند به استخوان سر أميرالمؤمنین علیه السلام.

و آن حضرت بعضی از اوقات می فرمود: دوست دارم که شقی ترین شما برانگیخته گردد و این را از این خضاب کند. یعنی ریش مبارکش را از خون سرش.

و سپس ابن اثیر گوید: إِنَّ عَلِيًّا جَمَعَ النَّاسَ لِلْبَيْعَةِ؛ فَجَاءَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مَلْجَمٍ الْمُرَادِيُّ فَرَدَّهُ مَرَّتَيْنِ،

ثُمَّ قَالَ: "مَا يَجِبُ أَشْقَاهَا؟! فَوَاللَّهِ لِيُخْضِبَنَّ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ!" ثُمَّ تَمَثَّلَ

أَشْدُّ حَيَازِيمَكَ لِلْمَوْتِ *** فَإِنَّ الْمَوْتَ لَا قِيَاكَ

وَلَا تَجْعَلُ مِنَ الْقَتْلِ *** إِذَا حَلَّ بِوَادِيكَ^۲

گوید:

علی علیه السلام تمام مردم را برای بیعت جمع نمود. عبدالرحمن بن ملجم مرادی آمد که بیعت کند، دو مرتبه حضرت او را رد کرد و سپس فرمود: "چه چیز جلوگیری و مانع شقی ترین امت می شود؟! سوگند به خدا که ابن ملجم محاسن مرا از خون سرم خضاب می کند!" و بعداً تمثّل جست به این شعر: "کمر بند خود را برای مرگ محکم کن چون مرگ به تو خواهد رسید. و از مرگ جزع و فزع نکن زمانی که در آستان تو فرود آید."

و سپس گوید: عثمان بن مُغیره گفت که:

^۱ أسد لغابة، ج ۴، ص ۳۵.

^۲ أسد لغابة، ج ۴، ص ۳۵.

لَمَّا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ جَعَلَ عَلِيٌّ يَتَعَشَّى لَيْلَةَ عِنْدَ الْحَسَنِ، وَ لَيْلَةَ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، لَا يَزِيدُ عَلَى ثَلَاثِ لُقْمٍ، وَيَقُولُ: "يَأْتِي أَمْرُ اللَّهِ وَ أَنَا حَمِيصٌ، وَ إِنَّمَا هِيَ لَيْلَةٌ أَوْ لَيْلَتَانِ."^۱

چون ماه رمضان داخل شد امیرالمؤمنین یک شب در نزد امام حسن و یک شب در نزد امام حسین و یک شب در نزد عبدالله بن جعفر بود، و زیاده از سه لقمه میل نمی فرمود و می فرمود:

"امر خدا می رسد و من باید در آن حال گرسنه باشم، یکی دو شب بیشتر نمانده است."^۲

و سپس گوید:

خَرَجَ عَلِيٌّ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ فَاسْتَقْبَلَهُ الْأَوْزُ يَصْحَنُ فِي وَجْهِهِ، قَالَ: فَجَعَلْنَا نَظْرُ دُهْنًا عَنْهُ، فَقَالَ: "دَعَوْهُنَّ فَأَهْنَنَّ نَوَائِحُ!" وَ خَرَجَ فَأُصِيبُ. وَ هَذَا يُدَلُّ عَلَى أَنَّهُ عَلِمَ السَّنَةَ وَ الشَّهْرَ وَ اللَّيْلَةَ الَّتِي يُقْتَلُ فِيهَا، وَ اللَّهُ أَعْلَمُ.^۲

«امیرالمؤمنین برای نماز صبح از منزل بیرون شد، مرغابیان در مواجهه با علی به صیحه درآمدند. کثیر که راوی این حدیث است می گوید: ما شروع کردیم که مرغابیان را از آن حضرت دور کنیم، فرمود: آنها را به حال خود گذارید، آنها نوحه می کنند بر من!» حضرت خارج شد و در همان وقت ضربت به او رسید. و این دلالت دارد بر آنکه آن حضرت سال و ماه و شبی را که در آن شب شهید شده همه را می دانسته است، و خدا عالم تر است.

و ابن حجر هیثمی گوید:

فَلَمَّا كَانَتِ اللَّيْلَةَ الَّتِي قُتِلَ فِي صَبِيحَتِهَا أَكْثَرَ الْخُرُوجِ وَ النَّظَرَ إِلَى السَّمَاءِ، وَ جَعَلَ يَقُولُ: "وَ اللَّهُ مَا كَذَبْتُ وَ لَا كَذِبْتُ وَ إِنَّمَا اللَّيْلَةُ الَّتِي وَعِدْتُ."^۳

در آن شبی که در صبحش حضرت ضربت خوردند بسیار از اطاق بیرون آمده و به آسمان نظر می کردند و می گفتند: "سوگند به خدا که نه دروغ می گویم و نه دروغ به من گفته شده است، امشب همان شب میعاد من است."^۴

^۱ همان مصدر، ص ۳۶؛ و نیز بعضی از جملات فوق در دو مقام در الصواعق المحرقة، ص ۸۰ ذکر شده است.

^۲ همان مصدر

^۳ الصواعق المحرقة، ص ۸۰.

^۴ امام شناسی، ج ۳، ص ۲۲.